

# هنر مشاهده

## دو تجربه از آقای معاون

مهديه مسيبي

### دو تجربه از آقای معاون

همه‌های بین بچه‌ها افتاد. حتی برخی همکاران و حتی مدیر مجموعه آموزشی شگفت‌زده شدند و به ظاهر کمی دلخور. اما این آزمون تمام شد و از آن پس دقت بچه‌ها نسبت به اطلاعیه‌ها و تابلوی اعلانات خیلی بیشتر شد. حالا اگر یک برگه تبلیغات رستوران هم کف حیاط مدرسه می‌افتاد، آن را با دقت زیر و رو می‌کردند. زیرا باز این احتمال وجود داشت که آقای جوادی تدبیر دیگری مرتبط با درس و کلاس و آزمون به اجرا گذاشته باشد.

### اول احساس عاطفی، بعد آزمون

مدتها هست که به خاطر کرونا، آموزش رودرو متوقف شده بود و بچه‌ها از طریق تلفن همراه و رایانه درس‌ها را دنبال می‌کردند. یکی از شاگردان که در درس زبان ضعیف‌تر بود و در این مدت هم نتوانسته بود با معلمش ارتباط عاطفی برقرار کند، مضطرب و نگران بود.

آقای جوادی که شناخت خوبی از همه شاگردان مدرسه داشت، متوجه این نکته شد. می‌توانست به راحتی از کنار این ماجرا که ربط مستقیمی هم به او نداشت، گذر کند. اما او راه دیگری را انتخاب کرد. با دانش آموز و خانواده‌اش صحبت کرد. او را راهنمایی کرد تا درس را کامل بخواند و نگران نباشد. از طرف دیگر، با دبیر زبان ارتباط گرفت و گفت: «این شاگرد اضطراب دارد و سخت نگران است. اگر نمره نیاورد، شاید اتفاقی برای شما و مدرسه نیفتد، ولی شما می‌توانید...»

به او گفت: «... وقتی ارتباط اینترنتی و تصویری با این دانش آموز در فضای مجازی برقرار شد، لطفاً شما در ابتدا کمی از وضعیت چهره، لباس و حتی عینک تازه‌ای که به صورت زده است، تعریف کنید. چند دقیقه با او ارتباط عاطفی بگیرید تا حس خوبی نسبت به شما پیدا کند. سپس سؤال‌هایی آسان را از او پرسید که یقین دارید جوابش را می‌داند. در ادامه کم‌کم به سمت سؤال‌های آزمون بروید و ادامه کلاس.»

این تدبیر جواب داد. گرچه دانش آموز نمره کامل و عالی نگرفت، اما با نمره خوب از آزمون عبور کرد و حالا او قول داده است که به کلاس زبان برود و نسبت به معلمش حس مثبتی دارد. آری، به تجربه‌ها اهمیت بدهیم و قدردان انسان‌های صاحب تجربه باشیم.

گاهی تصور می‌شود، طرف مشورت قرار گرفتن تنها مختص افرادی است که نام مشاور در حوزه مسئولیت آنان نوشته شده است و دیگران از دایره چنین توان و قابلیت بیرون هستند. اما وقتی پای تجربه به میان می‌آید، این قابلیت بیشتر خود را نمایان می‌سازد. لیسانس علوم تربیتی دارد و سابقه خدمتش سه دهه را پشت سر گذاشته است. از تدریس در همه پایه‌های تحصیلی گرفته تا معاونت اجرایی، معاونت آموزشی، مدیریت مدرسه و مشاوره تحصیلی، همه و همه را در کوله‌بار تجربه‌هایش انداخته است. بارها و بارها به دانش آموزان، والدین و حتی همکاران آموزشی خود مشورت داده و بهترین مسیر حرکت را پیش پای آنان گذاشته است. آنچه پیش روی شماس، جلوه‌ای از تجربه‌های نظام‌الله جوادی فشانی است که باهم می‌خوانیم.

### تصحیح نگاه‌های بی‌دقت

چند نفر از همکاران مدرسه از بی‌توجهی دانش آموزان در خصوص تابلو اعلانات و اطلاعیه‌های روی آن گله داشتند. می‌گفتند اطلاع‌رسانی می‌کنیم، ولی امان از بی‌دقتی! موضوع را با همکار خود در میان گذاشتند و او راهکاری پیشنهاد داد و اجرا کرد. در یکی از امتحان‌های رسمی دبیرستان، مثلاً درس فیزیک، قبل از اینکه دانش آموزان وارد مدرسه شوند، صبح خیلی زود سؤال‌ها را روی دیوار حیاط دبیرستان نصب کرد و جواب همان سؤال‌ها را سمت دیگر حیاط مدرسه روی دیوار قرار داد. از ساعتی قبل خودش در فضای مدرسه بین دانش آموزان بود و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کرد. برخی سرسری یک نگاه می‌انداختند و رد می‌شدند. چند نفر دقت بیشتری داشتند. تعدادی کاملاً بی‌توجه و چند نفر هم حدس‌هایی زده بودند، اما خیلی جدی نگرفتند. حدود ۵۰ دقیقه بعد زنگ مدرسه نواخته شد. همه به کلاس رفتند و این گروه هم سر جلسه درس فیزیک نشستند. آقای جوادی، به عنوان معاون آموزشی دبیرستان، صحبت اولیه‌ای با دانش آموزان کرد و ضمن ارزی موفقیت آنان در آزمون، به نکته‌ای اشاره کرد که برق از چشمان بچه‌ها پرید. او گفت: «سؤال‌ها و جواب‌های این آزمون مدت ۵۰ دقیقه روی دیوار مدرسه نصب بود. هرکسی دقت کرده است و الان نمره کامل هم می‌گیرد، این نمره نوش جانش.»